

پیداری

نشریه‌ی کانون فرهنگی خرافه زدایی

شماره ۳۷ - سال ششم - مهر ماه ۲۷۱۷ ایرانی
سپتامبر ۲۰۰۸ میلادی - ۱۳۸۷ تحمیلی عربی

تهدید مسیحیت را

پس از شکست اسلام

در آینده ایران،

دست کم بگیریم

از اخلاق و رافت

عیسی، در بین مسیحیان

هیچ دیده نشده

و نمیشود

چرا ایرانیان برای حمله‌ی تازیان به ایران و کشتار
بی‌رحمانه از نیاکان خود، روز یا هفته‌ی سالگرد
چنین رخداد مهمی را نباید داشته باشند

کشتار ایرانیان به وسیله‌ی اعراب چه فرقی دارد با
کشتار آرامنه به دست ترک‌ها و کشتار یهودی‌ها
به دست نازی‌ها

دکتر ناصر انقطاع

آخوند، و.... جیش!

از زمان شاه عباس یکم که بانگیزه‌ی جنگ‌های ایران و عثمانی، و بانگیزه‌ی فرمانروایی دینی (نه ملی) صفویان، انگلی بنام آخوند در اجتماع ایران رشد کرد، سرزمین ما، دچار این آفت خانمان برانداز شد. گروه مفت خواره‌ی ملایان، با ساختن امامی موهوم بنام «امام زمان» دکان پردرآمدی بنام «سهم امام!» را برای خود باز کرده‌اند و بدبختانه این دکان برای همیشه باز خواهد بود. زیرا امامی وجود ندارد تا ظهور کند، و آخوندها نیز بر پایه‌ی یک روایت ساختگی، خود را «نایب!!» او می‌دانند، و سهم او را می‌طلبند.

شگفتا. همانگونه که می‌دانیم، در اسلام نه امامی وجود داشته، و نه سهمی برای او در نظر گرفته شده است، که این مفت خواران همیشه سوار برگرده نادانان دست‌گدایی را رو به مردم دراز کرده‌اند، و از هیچ و پوچ، برای جیبشان پول می‌سازند.

در رژیم گذشته بازرگانی را می‌شناختم که با دادن رشوه به کارمندان بخش مالیات وزارت دارایی، مبلغ ناچیزی پیرامون چهارصد - پانصد تومان مالیات سالانه خود را به صندوق دولت می‌پرداخت، و در همان زمان، چهارصد هزار تومان پول بی‌زبان را برمی‌داشت و به قم می‌برد، و به آیت‌الله بروجردی می‌داد.

روزی به او گفتم: اگر تو مسلمانی، چرا با دادن رشوه که در اسلام حرام است، مالیات راستین را به دولت نمی‌دهی. و می‌بری به قم و به آدمی که هیچکاره است می‌پردازی؟

دکتر م - مهر آسا

بررسی و تأملی در کتابهای مشهور به آسمانی

(بخش ۸)

قرآن - سورة نساء یا زنان

سوره نساء شامل ۱۷۶ آیه است و طبق نوشته‌ی قرآن‌ها این سوره در مدینه نوشته شده است.

آیه نخست:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» معنی:

«ای مردم بترسید از خدائی که شما را از یک نفر خلق کرد. و از همان یک نفر همسرش را درست کرد و از آنها مردان و زنان فراوانی به وجود آورد. و بترسید از آن خدائی که به نام او از همدیگر درخواست می‌کنید. و در باره بخشش کوتاهی نکنید. همانا الله ناظر بر اعمال شماست»

دین اسلام دین خشونت است؛ دین زورگویی است؛ دین برده داری و برده پروری است. دینی است که رفتار متولیانش بر روی زور و یورش و تک پاتک و عقب نشینی نهاده شده است؛ و همچنان که در فتح مکه اقتضا کرد با دشمن قوی قرارداد مودت بستند تا در موقع قدرت خویش و ضعف رقیب، دوباره حمله و تعرض کنند. اسلام دینی است که از پیروان به چیزی جز اطاعت و تسلیم محض راضی نیست. به همین علت مسلمان حق برگشت از دین را ندارد و اگر برگردد مرتد و مهدورالدم (خون حلال) محسوب می‌شود. البته در قرآن به این موضوع اشاره نشده، اما واکنش و کارکرد حضرت محمد در ﷺ

بررسی و تأملی در کتاب‌های مشهور به آسمانی

مقابله با برگشتگان از اسلام دستور گشتن آنان بوده است. اسلام یعنی تسلیم، اطاعت کورکورانه، و بندگی کردن محض. البته در ظاهر این بندگی برای الله است، اما در واقع مسلمان معتقد و مؤمن، نوکر و عبد محمد و خاندان و دستوره‌های اوست. این دین بر مبنای ترس بنا شده و مؤمن همواره باید در خوف و هراس از خشیت خدا باشد.

در این آیه الله با صراحت می‌گوید:

۱- از من بترسید؛ ترس، ترس و ترس... واقعاً خدائی که نیازمند این گونه هراس افکنی‌ها باشد و با ارباب و تهدید و شمشیر، مردمان را به سوی خود بکشد، آفریدگار است یا فرمانروائی مستبد در عمق تاریخ که می‌خواهد سربازان را برای رفتن به اردو راضی و آماده کند؟

۲- «و خلق مینها زوجها» (از او زوجش را به وجود آورد)، یعنی الله نخست آدم را به شکل و هیبت مرد ساخته؛ و چون متوجه شده است این مخلوق آبستن نمی‌شود و نمی‌زاید؛ از وجود همین مرد، زائده‌ای به نام زن تولید کرده است. این که خدا نخست مرد را آفرید و از تن او، زوج‌اش را به وجود آورد، توهین آشکاری است به زن و موقعیت اجتماعی‌اش. علت اینکه تورات و انجیل و قرآن حاضر نیستند الله را وادار کنند که در یک زمان مرد و زن را با هم خلق کند، تبعیضی است میان مرد و زن که تفوق مرد را بر زن در این ادیان نشان می‌دهد. واضعان دین‌های ابراهیمی زن را زائده‌ای از مرد معرفی کرده و او را جنس دوم خلقت می‌دانند.

بخشی از این سوره به مبحث ارث در اسلام می‌پردازد. مبحثی مبهم و گنگ و سراسر غلط از نظر ریاضی. آیه ۱۱ در مورد ارث.

«حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسران دو برابر دختران ارث برند. اگر فقط دختران و بیش از دو نفر باشند، فرض همه دو ثلث ترکه است. و اگر یک نفر باشد نصف. و فرض هر یک از پدر و مادر سدس ترکه است در صورتی که میت را فرزند باشد. و اگر فرزند نباشد و وارث منحصر به پدر و مادر باشد، در این صورت مادر یک ثلث برد و باقی به پدر رسد. و اگر میت را برادر باشد، در این فرض مادر سدس خواهد برد. پس از آنکه حق وصیت و دین که به مال میت تعلق گرفته استثنا شود. شما این را که پدران یا فرزندان و خویشان کدام یک به خیر و صلاح و به ارث بردن به شما نزدیکترند ننمیدانید. این احکام فریضه ایست که خدا باید معین فرماید. زیرا خداوند به هر چیز دانا و به همه مصالح خلق آگاه است» (قرآن ترجمه الهی قمش‌های)

کدام دانشمند ریاضی از این درهم‌گونی و بفرنج‌بافی و بی‌معناگویی سر در می‌آورد و می‌تواند ارث را تقسیم کند که ورثه راضی باشند؟ اگر متوفی پسر نداشته باشد و ورثه فقط چند دختر باشد، کل دختران هر تعداد باشند، دو سوم ارث را می‌برند. و اگر تنها یک دختر باشد، آن دختر نصف ارث را می‌برد. خوب پرسش این است که بقیه دارائی این مرد مُرده که فقط دختر دارد به کی میرسد؟ هیچ پاسخی قرآن ندارد.

اصولاً چرا وقتی میت غیر از یک دختر هیچ وارثی ندارد. این دختر نیم دارائی پدر را ببرد؟

بعد می‌گوید اگر مُرده هم فرزندان داشته باشد و هم پدر و مادرش زنده باشند، به هریک از والدین یک ششم را می‌دهند و بقیه را بین فرزندان تقسیم می‌کنند. گذشته از این که چه اندازه این کار عادلانه است و چرا باید مال یتیمانی را که پدرشان در جوانی مُرده است، به پدر بزرگ و مادر بزرگ بدهند، بخش بعدی آیه نیز جالب است که می‌فرماید: اگر مُرده برادری هم داشته باشد و فرزندی نداشته باشد، به مادر یک ششم می‌رسد و بقیه معلوم نیست بین پدر و برادری که پسر همین پدر است، به چه نسبتی تقسیم می‌شود!

آیه ۱۲:

«سهم الارث شما مردان از ترکه‌ی زنان نصف است، اگر زن را فرزند نباشد؛ و اگر فرزند باشد، ربع خواهد بود پس از خارج کردن حق وصیت و قرضی که برگردن دارد. و سهم ارث زنان از ماترک شما ربع است اگر شما را فرزندی نباشد؛ و اگر فرزندی باشد، یک هشتم است... اگر مردی بمیرد که وارثش کلاله او باشند (خواهر و برادر تنی و ناتنی) یا زنی بمیرد که وارثش کلاه او باشند (خواهر و برادر ناتنی و تنی) یا زنی بمیرد که وارثش یک برادر یا خواهر او باشد در این صورت سهم هریک یک ششم خواهد بود؛ و اگر بیش از یک نفر باشند، همه آنها یک سوم ترکه را می‌برند و...»

خوب زنی مُرده که هیچ فرزندی ندارد و وارثش شوهر اوست که نصف مال را به او می‌دهند و بر سر بقیه چه می‌آید، معلوم نیست... اگر مردی هم بمیرد که فرزند نداشته باشد، یک چهارم مالش را به زن می‌دهند و سرنوشت بقیه‌ی اموال نامعلوم!

مسئله‌ی خواهر و برادر تنی و ناتنی از این هم مسخره‌تر است. فرض کنیم مردی مُرده است و فرزند و زن ندارد؛ ولی ده نفر خواهر و برادر تنی و ناتنی دارد که قرآن می‌فرماید به هر نفر یک ششم ترکه را بدهند؛ یک ریاضی دان تعیین کند چگونه به هریک از این ده نفر می‌توان یک ششم را داد؟ مگر می‌توان ۱۰ تا یک ششم از یک عدد برداشت؟! واقعاً چه کسی می‌تواند از موضوع گنگ و ناقص این دو آیه که نحوه‌ی تقسیم ارث را این چنین نامفهوم بیان کرده است، نتیجه‌ی مطلوب برای تقسیم ارث بگیرد؟ به همین علت است که در مذهب تسنن، چهار فقیه بزرگ حنبلی و حنفی و مالکی و شافعی مبحث تقسیم ارث را خود در جزوه‌های کوچکی نوشته و در تهیه‌ی آن زیاد وقعی به نوشته‌ی این دو آیه نگذاشته‌اند. اکنون مسلمانان مطابق آن دستورها عمل می‌کنند. و در شیعه نیز جعفر صادق امام ششم موضوع سهم الارث را به میل خود تنظیم کرده است.

لازم است اشاره کنم که ارث زن و دختر در دین یهود بسیار ظالمانه‌تر است.

دنباله سوره:

آیه ۲۴:

«والمحصنات من النساء الا ما ملکت ایمانکم کتاب الله علیکم و احل لکم

آخوند و ... جیبش! مانده از رویه‌ی نخست گفت: حکومت راستین، حکومت امام زمان است! و آقای بروجردی هم نماینده امام زمان! ولی دولت کنونی ایران یک دولت غاصب است.

گفتم: در باره رشوه دادن خود، چه می‌گویید با پرویی گفت: این ثواب، آن گناه را می‌شوید!! اینگونه اندیشه‌ها بود که ملت ایران را بدرود سیاهچال جمهوری آخوندی سرنگون کرد.

باری سخن بر سر آن بود که آخوندها از زمان صفویان به اینسوی تنها دست بگیر داشتند و دارند، و هر بدعتی را که در دین گذاردند، به سود جیب شان بود پس از گرفتن «سهم امام» به رویداد محرم و صفر می‌رسیم. دو ماهی که بساط روضه خوانی‌ها میان تهی مغزان گسترده می‌شود. و آخوند است که با گفتن یاوه‌ها و پرت و پلاها، و حسین را برتر از علی، و علی را برتر از خدا دانستن، پاکت‌های پُر از اسکناس را به جیب گشاد خود می‌گذارد، و هزینه یکسال زندگی مفت و رایگان خود را در می‌آورد.

به گورستان‌ها می‌نگریم. بمحض درگذشت یک تن. ناگهان سر و کله آخوند پیدا می‌شود، و از همان شب نخست درگذشت، تا خاکسپاری، تا ختم و یادبود، تا شب چهلم، و تا شب سال درگذشته، بازماندگان را رها نمی‌کند و پول می‌گیرد و از همه شگفت‌تر خواندن نمازهای واپس افتاده برای مردگان است.

داستان بدینگونه است که آخوند‌ها روایتی را ساخته‌اند که: هرکس که در می‌گذرد، بازماندگانش موظفند برای اینکه آن فرد در گذشته از جهان، در جهان دیگر، از آتش دوزخ!! برکنار باشد، نمازهایی و روزه‌هایی را که وی در درازای زندگی خود نخوانده و نگرفته است، با دادن پولی کلان برای هر سال نماز نخوانده و روزه نگرفته، به یک آخوند بدهند، و به او بگویند که برای پدر یا مادر، یا خویشان درگذشته‌ی من، نماز بخوان و روزه بگیر!!

ملای مفت خور نیز، در برابر هریک سال، مبلغی را تعیین می‌کند، و از بازماندگان فلان مُرده می‌گیرد، و پول را می‌خورد، و یک بچه‌ی دیگری پس می‌اندازد.

نکته‌ی در خور نگرش این است که آخوند با این حقه بازی، دستگاه آفرینش را به مسخره گرفته است.

روشن نیست در کجای جهان. در کدام کیش و آیین. و در میان کدام تیره‌ی واپس مانده‌ی جنگل نشین یا بیابان گرد، یکسفر نیایش خداوند را نکنند، و یک آدم دیگر، پس از مرگ او، بجای وی نیایش کند و آنگاه خداوند این نیایش را پای آن مُرده نماز نخوانده و روزه نگرفته بگذارد!!

گویا در آن جهان، یک «بانک نیایش!» باز شده است که نیایش‌ها را مانند «پول» از یک شماره حساب، به یک شماره حساب دیگر می‌ریزند.

جیب بری دیگر ملاها، امام زاده‌های بی‌شمار، و پول در درون ضریح ریختن‌ها از سوی گروهی بی‌دانش ساده اندیش است. پولی را که با هزار دشواری بدست می‌آورند، به جیب مثنی بیکاره‌ی مفت خور می‌ریزند.

و... این داستان مفت خوارگی، و بیکارگی... دنباله دارد.

ماوراء ذالکم ان تبتغو باموالکم محصنین غیر مسافحین فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فریضة و لا جناح علیکم فیما تراضیتم به من بعد الفریضة الله کان علیماً حکیماً معنی:

«و نکاح زنان شوهردار نیز برای شما حرام شد مگر آنان که در جنگ‌ها متصرف و مالک شده‌اید و...»

ای مسلمانانی که با تحصیلات عالی در تلویزیونهای ایرانی از دین دفاع می‌کنید! آیا این رواست که شما به شهری، قصبه‌ای، کاروانی حمله کنید؛ اموالشان را چپاول کرده و مرد و زنش را به اسیری بگیرید و زنان شوهردار را که در عقد شوهرانشان هستند تصاحب شوید و نامش را حکم خدا بگذارید؟

آیه ۳۴:

«الرجال قوامون علی النساء... تا آخر»

«مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به خاطر آنکه خدا عده‌ای را بر عده‌ای دیگر برتری داده است و هم به این دلیل که مردان به زنان نفقه میدهند (تغذیه شان می‌کنند) پس زنان شایسته، مطیع مردانند که در غیاب آنها حافظ حقوق شوهران باشند. و زنانی که از مخالفت و نافرمانی شان بیمناکید، باید نخست آنان را موعظه کنید و اگر نشدند از آنان دوری گزینید و اگر بازهم مطیع نشدند آنان را کتک بزنید. چنانکه اطاعت کردند، دیگر بر آنان حق ستم ندارید که همانا خدا بزرگوار و والا است.»

من برای آن زمان و جامعه‌ی چوپانی و بیابانی حجاز، بر این آیه ایرادی ندارم. برای کسانی که به خاطر یک قطعه سنگ و یا یک چوب همدیگر را می‌کشتند، کتک زدن زنان امری خلاف عادت نبوده است؛ اما مشکل این است که متولیان دین و مدافعان اسلام، ادعا دارند که قرآن و دستورهایش برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها بوده و همیشه تازه است. یعنی امروز نیز می‌توان چنین رویه‌ای را پیش گرفت و اجرا کرد.

امروز زن در اجتماع خود قائم به ذات است و از نظر تأمین نفقه گاهی بر مرد تفوق دارد. پس هیچ برتری در این میان نیست. در ضمن، همچنان که اشاره شد، این اعمال برای جامعه‌ی آن زمان حجاز امری عادی می‌نمود. زیرا زن تنها وسیله‌ی ارضای شهوت مرد و تولید مثل محسوب میشد. ولی برای جوامعی که در سرزمین‌های سبز و خرم و معتدل می‌زیند، مطلقاً معنا و مفهوم ندارد و خلاف عرف و عادت مردم است. زیرا در این جوامع، زنان در دشت و صحرا و خانه پا به پای مردان کار می‌کنند و در اغلب موارد ارزش کارشان به مراتب از مردان روستا بیشتر است. مثلاً در روستاهای ایران، دوشیدن شیر حیوانات اهلی و تولید لبنیات، آرد کردن گندم و پختن نان و تولید غذای خانواده به عهده‌ی زنان است که چهار فصل ادامه دارد. در حالی که کار مردان تنها رفتن به دشت و چراندن حیوانات و کشت و زرع است که تمام سال نیست و از اواخر پائیز تا ابتدای بهار تعطیل است. فزون بر این، حاملگی و زایش بچه و بزرگ کردن فرزند، کاری است که از درو کردن و خرمن کوبیدن کم زحمت تر نیست.

پس در جوامع ما همواره زن بیشتر از مرد در تأمین نفقه مؤثر بوده و هست.

ک - ملک - فرانسه

«ایمان فروشی - کلاهبرداری مشروع»

هیچ حرفه‌ای بی دردسرتر و پولسازتر از ایمان فروشی و معامله عتیقه‌های پوسیده و بی ارزش یعنی عقاید، تاکنون ابداع نگردیده است. گونه‌ای کلاهبرداری مشروع! این فروشندگان سکه‌های قلب با سلاح تکفیر در کمین اندیشمندان و خرد پیشگان می‌نشینند و «سربازان جان برکف» آنان را قربانیانی تشکیل می‌دهند که به دلایل متعدد، مهمترینشان کم سواد و بی سواد و بی دانشی و فقر مالی، تا با اشاره‌ای بیفتند به جان هر خردمند دلسوزی که بخواهد آنها را از اسارت نمایندگان خود فرموده آسمان! نجات دهد.

آخوندان و صاحبان تفکر آخوندی رویدادهای طبیعی را به عنوان علائم نارضایتی «خداوند» و ناشی از گسترش فساد اخلاقی در جامعه تلقی می‌کنند و به ساده لوحان هراسان و لرزان می‌باوراندند. خشکسالی، زمین لرزه، صاعقه، وقوع آتشفشان، همه‌گیری‌های عفونی و مرگزا.... دانش‌های واقعی و تجربی - که دستاوردهایشان را همان خرافات زدگان هر روزه مورد استفاده قرار می‌دهند و تا آنجا که به نفعشان باشد بدون هیچ‌گونه اعتراض! - برداشتی کاملاً متفاوت از آنها ارائه می‌دهند. اگر آتشفشان‌ها حادث نمی‌شدند کره زمین دارای آتمسفر نمی‌شد و زندگی به صورت آشنا و زمینی آن پدید نمی‌آمد. صاعقه اگر نبود به همین. میدانیم - یا شاید بد نباشد بدانیم! - که کره آفتاب در هر ثانیه با میلیونها تن پارتیکول‌های گونه‌گون، از جمله «نوترینو» زمین را و جو آنرا بمباران می‌کند. وقوع صاعقه قسمت عمده‌ای از آنها را خنثی می‌سازد. تاکنون چنین بوده که انباشتگی آن ذرات ابتدائی و بسیار نافذ از آستانه تحمل زمین و زندگی فراتر نرود. بدون شک اگر برای مدت معینی وقوع صاعقه تعطیل گردد زندگی نیز در معرض خاموشی قرار خواهد گرفت. زمین لرزه‌ها و فعالیت‌های آتشفشانی دارای روابط خانوادگی بسیار نزدیک هستند! پیدایش ارتفاعات و زنجیره‌های کوهستانی را مدیون برخورد «پلاک»‌های قاره‌ها با یکدیگریم و الی آخر. به دیگر سخن رابطه نسبت در اینجا به خوبی نمایانست [برخلاف تصور جا افتاده، همه امور نسبی نیستند ولی بسیاری از آنها هستند!]

صاعقه اگر از سوئی می‌ترساند و سلطان قاجار را زیر عبای ملای یمنی می‌راند(!) و اگر جاندارانی را به هلاکت می‌رساند، از سوی دیگر زندگی ساز نیز هست. زمین لرزه نیز. متأسفانه این مبحث شیرین را می‌بایست درز بگیریم به سبب کمبود جای چاپ و مختصر اشاره‌ای داشته باشم به موضوعی که بر آن اهمیت درجه یک قائلم.

«زرتشت - عیسی و سوشیانت»

عیسی، مسیح بودنش را مدیون زرتشت است.

در این ادعا هیچ اثری از ناسیونالیسم افراطی و شوونیسم نجوئید که نخواهید یافت.

در یکی از «قلمکاری»‌های پیشینم اشاره‌ای داشتم به کتاب سه جاعل که در سده‌های میانه اقشار آزاداندیش اروپا را بسیار زیر تأثیر قرار داده بود. مطالعه آن نشان می‌دهد که آئین میترا و فلسفه زرتشت نزد آن اقشار از احترام ویژه‌ای برخوردار بوده (درست برعکس ادیان موسوم به آق ابراهیمی!) مسئله در این نیست که آیا شخصیت واقعی عیسی فرزند مریم و یوسف نجار با تصویری که مومنان مسیحی از وی ارائه می‌دهند مطابقت دارد یا خیر. واقعیت تاریخی اینجاست که حضور شاهان مجوس در مکان و زمان تولد عیسی معنای بزرگی در خود نهفته دارد. زرتشت بشارت ظهور سوشیانت را می‌دهد به عنوان ابر مردی عدالت‌گستر که سلاحی جز دانش و مهربانی و عدم خشونت ندارد. این دقیقاً همان تصویری است که مومنان مسیحی از عیسی ارائه می‌دهند. به دیگر سخن، عیسی همان سوشیانت زرتشت است. در شیعیگری که گونه‌ای مسیحیت «دفورمه» کج و معوج و آغشته به خوی غزواتی - غارتی - سنگساریست، دوازده «آپوتر» عیسی پیامبر به دوازده امام شیعیان اثنی عشری تبدیل می‌گردند و سوشیانت خردمند و مهربان و عدالت‌گستر، به دیوانه تشنه به خونی دگردیسی می‌یابد که عدالت را در سایه شمشیر و ریزش خون می‌بیند و می‌جوید!

من به عنوان موجودکی که از دوران نوجوانی به این سو بی دین و بی خدا شده، شعر واقعی را در آئین و فلسفه زرتشت دیده‌ام و عمیقاً متأسفم از ستمی که ایرانیان با رها نمودن آئین خردجویانه آن بزرگمرد بر خود روا داشته‌اند. دین و سلسله مراتب دینی را مطرود و مخرب میدانم اما فلسفه تحول پذیر زرتشت می‌تواند شناسنامه هویت ملی ما باشد. زرتشت هرگز ادعا نمود دین آخر را آورده! یعنی به تحول و «به روز» کردن فلسفه‌اش امکان عملی داد. با بلانی که ایرانیان حدود سی سال پیش بر سر خود و منطقه و جهان آورده اند تنها بخت یافتن مکانی محترم در دنیای پیشتاز امروزی سه طلاقه کردن اسلام است و جبران بی‌شرمی و خود باختگی و ستمی که بر تنها آئین زلال و شعرگونه تاریخ روا داشته‌ایم. پس چرا نمی‌جنبیم و سراغ سرچشمه هویت ساز شعر دوستی‌هایمان را نمی‌گیریم؟ یهودیان پس از ۱۹ سده آوارگی تنها اعجاز واقعی و بشری را ممکن ساختند و سرزمین تاریخی خود را به دست آوردند. مکان اعجاز مفروض ما، ایران، سرجایش قرار دارد. فقط همت و خرد می‌طلبند.

دیندار به اتکای بخشش خداوند، بی‌محابا و به تکرار خطا می‌کند، و بی‌دین با اتکای به وجدان و آبروی خویش

سعی فراوان در خطا نکردن دارد

پرفسور منوچهر جمالی

راز بی اخلاقی مسلمانان

و خواجه نصیرالدین، دانشمند یگانه روزگار در بغداد مرا درسی آموخت که همه‌ی درس بزرگان در همه‌ی زندگانی‌م برابر آن حقیر می‌نماید و آن این است:

در بغداد هر روز بسیار خبرها می‌رسید از دزدی، قتل و تجاوز به زنان در بلاد مسلمانان که همه از جانب خود مسلمانان بود. روزی خواجه نصیرالدین مرا گفت می‌دانی از بهر چیست که جماعت مسلمان از هر جماعت دیگر بیشتر گنه می‌کنند با آنکه دین خود را بسیار اخلاقی و بزرگمنش می‌دانند؟

من بدو گفتم: بزگوارا همانا من شاگرد توام و بسیار شادمان خواهم شد اگر ندانسته‌ای را بدانم.

خواجه نصیرالدین فرمود:

ای شیخ تو کوشش‌ها در دین مبین کرده‌ای و اصول اخلاق محمد که سلام خدا بر او باد را می‌دانی. و همانا محمد و جانشینانش بسیار از اخلاق گفته‌اند و از بامداد که مومن از خواب بر می‌خیزد تا هنگامی که شبانگاه با بانویش همبستر می‌شود، راه بر او شناسانده شده است.

اما چه سزای است که هیچ کدام از ایشان ذره‌ای براخلاق نیستند و بی اخلاق‌ترین مردمانند و آنکه اخلاق دارد نه از مسلمانی‌اش که از وجدان بیدار او است.

من بسیار سفرها کرده‌ام و از شرق تا غرب عالم و دین‌ها و آیین‌ها دیده‌ام. از غوثمه (بودا) در خاور زمین تا مانی ایرانی، در باختر زمین که همانا پیروانشان چه نیکو می‌زیند و هرگز بر دشمنی و عداوت نیستند.

آنها هرگز چون مسلمانان در اخلاقتشان فرع و اصل نیست و تنها بنیان اخلاق را خودشناسی می‌دانند و معتقدند آنکه خود بشناسد وجدان خود را بیدار کرده و نیازی به جزئیات اخلاقی همچون مسلمانان ندارد.

اما عیب اخلاق مسلمانی چیست ای شیخ؟

در اخلاق مسلمانی هرگاه به تو فرمانی می‌دهند، آن فرمان، اما، و اگر، دارد.

در اسلام تو را می‌گویند:

دروغ نگو... اما دروغ به دشمنان اسلام را باکی نیست.

غیبت مکن... اما غیبت انسان بدکار را باکی نیست

قتل مکن... اما قتل نامسلمان را باکی نیست.

تجاوز مکن... اما تجاوز به نامسلمان را باکی نیست.

و این «اماها» مسلمانان را گمراه کرده و هر مسلمانی به گمان خود دیگری را نابکار و نامسلمان می‌داند و اجازه هر پستی را به خود می‌دهد و خدا را نیز از خود راضی و شادمان می‌بیند...

و راز نابخردی و پستی مسلمانان در همین است ای شیخ...

از اسرار اللطیفه والکسیله

معصومه اعظمی (دختر یک روحانی) از تهران

پژوهشی در روحیه مسلمانان

همه‌ی تقصیرها را نمی‌شود به گردن کسانی انداخت که بر ایران حکومت می‌کنند و مردم را گردن می‌زنند، نویسندگان، تحصیل کردگان، روزنامه نگاران، برنامه سازان رادیو و تلویزیون که تاکنون به بنیادهای خشونت دین اسلام نپرداخته‌اند، تقصیر کمتری از جلادان آلوده دست ندارند، اینان که حتی جرات نوشتن و یا تکلم واژه اسلام را، مگر برای مدح اسلام ندارند صاف کنندگان جاده برای جلادان و جانیان مسلمان و حاکم بر ایران هستند، از وکلا و وزرا و رؤسای سازمانهای دولتی گرفته تا بظاهر مخالفانی که در برون از کشور به کار آموزش و پرورش و رسانه های گروهی مشغول هستند. همه و همه دستشان برای ویران کردن ایران در یک کاسه قرار دارد.

هرکسی که با بسم الله الرحمن والرحیم شروع به سخن می‌کند، و یا خود را از معرکه‌ی برپا شده که بر زندگی همه‌ی ایرانیان اثر گذارده دور نگه میدارد و آنها که احترام قرآن و محمد و علی را در باطن و یا ظاهر حفظ می‌کنند و هنوز خود را مسلمان میدانند و می‌نامند همه شریک جرم مستقیم جنایت های جمهوری اسلامی در ایران هستند.

هر مسلمانی طبق دستور دین و آیه قرآن یک قاتل بالفطره است. شما اگر خود را مسلمان میدانید موظف هستید که مرتد را به قتل برسانید، این دستور دین اسلام است - کشتن کافر به گردن شماست.

این مسایل را تا به امروز روشنفکر و فیلسوف و شاعر و هنرمند ایرانی نتوانسته بصورت عمیق بفهمد و احساس کند و در برابر آن به ایستد. چرا کشتاری را که مسلمانان در هر کجای جهان انجام میدهند در سایر مردم مسلمان اثر بدی نمی‌گذارد و آنها را به اعتراض و شورش نمی‌کشد، چون همه‌ی مسلمانان بالفطره کشتار را دوست دارند و گرنه اعتراض می‌کردند.

ایرانیان مسلمان نمیدانم بگویم مفتخر باشند یا شرمنده که در کتاب آسمانی شان فعل بکش - قَتَلَ - در سوره بقره ۳۱ بار - سوره آل عمران ۲۲ بار - سوره نساء ۲۳ بار سوره مائده ۱۳ بار - سوره انعام ۴ بار - سوره اعراف ۳ بار - سوره توبه ۱۳ بار - سوره یوسف ۲ بار سوره اسراء ۵ بار - سوره الکهف ۲ بار - سوره طه ۱ بار - سوره حج ۲ بار - سوره فرقان ۱ بار - سوره شعراء ۱ بار - سوره قصص ۷ بار - سوره عنکبوت ۱ بار - سوره احزاب ۵ بار - سوره غافر ۲ بار - در سوره های محمد، فتح، هجرات، ذاریات، حدید، حشر، ممتحنه، صف، منافقون، مزمل، مدیر، عبس، تکویر و بروج مجموعاً ۲۳ بار که در مجموع دستکم ۱۶۶ بار فعل «قَتَلَ» در قرآن آمده است، بدینوسیله اسلام حیات خود را از مرگ دیگران دارد - و نیز ۱۳۳ بار در قرآن از مرگ (ال، موت) سخن رفته است. و حال بهتر می‌فهمیم که چرا تحصیل کردگان مسلمان ایرانی در بیرون و درون ایران جرات اعتراض به اسلام را ندارند چون که خود را در همه‌ی کشتار های اسلامی سهمیم کرده‌اند حتی اگر به زبان خود را مبرا از این شراکت بدانند.

سیل، قحطی و خشک سالی

تأسف آور است که قران این رویدادهای طبیعی را به حساب علائم کرامت الهی قرار میدهد، برای اینکه آنها همان اندازه که موجب شادی می شوند به همان مقدار بدبختی بوجود می آورند. در سوره ۵۶-۷ به ما گفته می شود که باران منادی بخشش الهی است. با وجود این سیل حاصله از باران، جان هزاران نفر را بشکل طنزآمیزی، در کشور مسلمان نشین بنام بنگلادش می گیرد. در سال ۱۹۹۱ گردبادی با سرعت ۲۰۰ کیلومتر در ساعت سبب طوفانی شد که ۱۰۰۰۰ نفر را کُشت و ۱۰۰۰۰۰ نفر را بدون خانه و کاشانه نمود. با وجود فراوانی آب در همه جا، بنگلادش از ماه اکتبر تا آوریل دچار خشکسالی می شود. به این ترتیب جمعیت درمانده فقیرترین کشور جهان، به نوبت هم دچار سیل و هم خشکسالی می گردد. همانطوریکه سوره ۲۲-۵۷ می گوید هم‌ا‌ش حکمت الهی است. «هیچ بلائی در زمین یا حادثه‌ای برای شما رُخ نمیدهد که در کتاب آسمانی رقم نزده باشد پیش از اینکه ما آنها را خلق کرده باشیم».

در واقع تمام بلایای طبیعی از زلزله تا گردباد را بسختی می توان با خدای کریم و بخشنده تلفیق کرد، بویژه چنین بنظر میرسد که بر سر کشورهای مخصوصاً فقیر و اغلب مسلمان اتفاق می افتد. در زلزله ۱۷۵۵ در لیسبون هزاران نفر مُردند، بسیاری از آنها در کلیسا هائی که در حال عبادت بودند، و این مرگ و میر تأثیر عمیقی در قرن هیجدهم برجا گذاشت بخصوص بر نویسندگانی چون ولتر که چرا این همه مردم بی‌گناه کُشته شدند؟ و چرا روسپی خانه ها در امان ماندند، در حالی که خدا پرستانِ کلیسا رو مجازات شدند.

درویش

شوربختانه یکی از بهترین ترانه سرایان ایران بنام آقای تورج نگهبان در لس آنجلس درگذشت، و بسیاری از ایرانیان را غمگین نمود. تنها پرمشی که برای بسیاری مطرح است، چگونگی ورود این نامداران فرهنگ و ادب به عرصه خرافات است، آن هم از نوع پست ترین آن که خانقاه باشد و درویشی، علی را خدا دانستن و سییل کلفت کردن و هوهو گفتن. اگر این کارها را یک آدم کتاب نخوانده‌ی بازاری بی سواد انجام دهد شاید نتوان ایراد چندانی بر او گرفت، ولی کسانی که پرچم آموزگاری و درفش راهنمایی مردم را به دست می گیرند و الگوی جوانترها می شوند چطور است، دستکم پس از استقرار حکومت اسلامی و این همه افشاگری در باره شخصیت و زندگی علی هنوز خود را پیروان راه علی و عاشقان علی می خوانند، شایع است که ایشان هم درویش بوده‌اند، آیا این بزرگان بی خبرند یا خود را به بی خبری میزنند که اسلام چه بر سر ایران و علی چه بر سر مردم ایران آورد و سردارانش بدستور او چه قتل عام در کشور ما به راه انداختند؟ افسوس بر عمری که در بی تفاوتی و بی خبری طی می شود.

آیا خدا از زنان متنفر است

بنظر من خود واتیکان یک مرکز ضد خانواده است، این واقعیت که کلیسای کاتولیک معتقد به تجرد است خود نمودار عدم رعایت احترام کلیسا به خانواده و ارزش آن است، شهر واتیکان شهری است کشیشی که درکی از خانواده و کودکان ندارد. آنها، یعنی کشیشان هرگز خانواده‌ای را پرورش نداده‌اند، آنها چگونه می توانند بدانند داشتن و پرورش فرزندان چه مسئولیت و احساس خواهد داشت.

یک پاپ از نوع کاتولیکش هرگز ازدواج نکرده است یا فرزندی نداشته است و هرگز مجبور نشده که در مرگ زن و فرزندی عزادار بشود، او هرگز بیکار نمی شود، از کار اخراج نمی شود، بی خانمان نمی شود، هیچ گونه احساس از گرفتاری یک انسان در دل خود ندارد.

چرا مواهب و لطف و رحمت خداوند همه گونه شامل حال کشیش ها می شود، چرا خداوند فقط مردان را مورد مواهب خود قرار میدهد، چرا بین ۱۲۴۰۰۰ پیامبر خداوند یک زن هم دیده نمی شود، آیا خداوند توانا بدلیلی نامشخص نسبت به زنان غرض ورزی می کند و در هر دین اش زنان را فرودست می کند. چرا از زنها خواسته شده است برای مورد تجاوز قرار نگرفتن، پاهایشان را سفت بهم بچسبانند ولی از مردها خواسته نشده است که دوش آب سرد بگیرند؟ آیا زمان آن نرسیده که مردان دستکم نیمی از مسئولیت رفتار جنسی شان را بعهده بگیرند.

من می گویم از آنجا که ما خودمان مذهب را ساخته ایم باید بتوانیم قوانین آن را هم به آسانی عوض کنیم.

ما زن ها خودمان را موظف و زندگی مان را فدای شوهران، فرزندان، اجتماع، کشور، و یا سیاست کرده ایم، چون مردها به ما گفته اند که چنین باشید.

به ما گفته و آموزش داده اند که فرمانبردار آنها باشیم و هرچه می گویند گوش کنیم، و تا به امروز چنین کرده ایم. باید خود را از برتری جنس مذکر بیرون آورد و پدر شاهی را کنار گذارد. ما دیگر این برتری بی معنا را نمی پذیریم، که نمی پذیریم.

می پذیریم خود مسیح انسان خوبی بوده، و رفتار و اخلاقش از رفتار و اخلاق سایر پیامبران بهتر و انسانی تر بوده است، ولی دین مسیحیت هیچ فرقی با سایر ادیان ندارد و در طول دو هزار سال زندگی اش اگر بیشتر از سایر ادیان ستمکاری و کُشتار نکرده باشد کمتر نکرده است.

از کتاب رهنمودهای چهارده معصوم!

فصل حجامت

کتاب حاضر بدین منظور به رشته تحریر درآمده است که مردم مسلمان به معارف و دانش های اهل بیت عصمت و طهارت آگاه شوند، چون این دانش ها به دستور الهی در سینه پیامبر اکرم و ائمه معصومین قرار گرفته است. بیاییم عمل حجامت را که سنت رسول گرامی اسلام و ائمه بوده است زنده و احیا نماییم تا در زندگی تن سالم و عقل سالم داشته باشیم. امیدواریم شاهد روزی باشیم که این روش پسندیده عالمگیر شده باشد. ان شاء الله تعالی - محمد ابراهیم آوازه

تهران جمادی الثانی ۱۴۲۴

- امیر مؤمنان علی به نقل از پیامبر فرمود «حجامت کنید که خون گاهی طغیان می کند و آدمی را به هلاکت می اندازد. یعنی خون بجوش می آید. امام جعفر فرمود رسول خدا هنگامی که هیجان خون و حرارت زیاد داشت حجامت می کرد و سپس با آب سرد غسل می نمود و حرارت خون ساکن می شد.

- رسول اکرم فرمود «چون خون کسی از شما افزون شد و یا جوشید با تیر و نیزه خونس را بریزید.»

- عبدالله بن عمر گوید: شنیدم که رسول خدا فرمود حجامت، حافظه را برای حفظ کردن و عقل را برای عاقل شدن زیاد می کند.

- امام صادق فرمود «چون کودک به سن چهار ماهگی رسید ماهی یکبار او را حجامت کنید که رطوبت و لعاب دهان او را خشک می کند و حرارت را از سر و بدنش پایین می آورد.

- رسول خدا حجامت کرد از برآمدگی سرش، هنگامی که سحر و جادو شده بود. اگر کسی سحر و جادو شده باشد حجامت از ناحیه سر نافع است.

- حضرت موسی بن جعفر تب داشتند در روز چهارشنبه حجامت کردند ولی خوب نشدند پس روز جمعه را به این عمل (هفتگی) اختصاص دادند، برایشان بهبودی حاصل شد.

- حمزه بن طیار می گوید بدستور امام کاظم هنگامی که دندان درد داشتم حجامت کردم دندان دردم آرام شد و امام فرمود «مردم هیچ درمانی نکرده اند که بهتر از یک شاخ حجامت یا یک سرانگشت عسل خوردن باشد»

- از انس بن مالک روایت شده که رسول خدا فرمود حجامت در هفدهم هر ماه شفاست و در روز های سه شنبه موجب صحت بدن می شود و حجامت بر روی ناشتا دواست و بر روی شکم سیر درد است.

- امام رضا فرمود. حجامت بعد از خوردن غذا (شکم سیر) خوب است! اما اگر حجامت پیش از غذا خوردن (ناشتا) انجام گیرد خون خارج می شود ولی درد در بدن می ماند.

- امیر مومنان علی فرمود «زنی یهودی گوسفندی زهرآلود نزد رسول خدا آورد. گوسفند بریان به اذن خداوند به سخن درآمد و گفت یا رسول الله از من مخور که مرا به زهر آلوده کرده اند. جبرئیل نازل شد و گفت پروردگارت تو را سلام می رساند و می گوید که این دعا را بخوان و بخور که زهر به تو آسیب نرساند، پس رسول خدا اصحاب را فرمود که آن دعا را بخوانند و از آن گوسفند تناول کنند. بعد از خوردن حضرت امر کرد که همه آنها حجامت کنند تا اثر زهر از بدن خارج شود.

- انس بن مالک روایت می کند که پیامبر اسلام فرمود «در شب معراج که به آسمان رفتم. بر هر فرشته و در هر نقطه از ملاء اعلی که می گذشتم، مرا به خون گرفتن (حجامت) فرمان می دادند.

امیل ایمانی

بخشی از مقاله ۱۷ ژویه ۲۰۰۸

بیان حقیقت، آیا حمله به اسلام است؟

سند مسلمانان، و مدرکشان کدام است که اسلام یک دین است، و از سوی خدا آمده است؟ گفتار سینه به سینه پدران و مادران با آن کتابهای ضد انسانی زدن و کشتن که سندیت درستی نمی تواند داشته باشد تا این آیین را یک دین انسانی معرفی کند. دینی که زن ها را آدم حساب نمی کند نه در خانه توسط شوهرانشان و نه در بیرون به دست نیروهای انتظامی وحشی چرا باید پذیرفت که ادعایش درست می باشد این دین نابرابری جنسی را به زور به زنان تحمیل می کند و در کتاب دینی خود آورده اند که مردان بر زنان فرمانروایی دارند، چه که الله برخی را بر برخی، برتری بخشیده است. این دین با چه غیظ و غضبی به ادیان دیگر نگاه می کند، خبر میرسد که در مصر نوعی نسل کشی را به آهنگی آهسته علیه شهروندان بهایی به اجرا گذاشته و آنها را از تمامی حقوق شهروندی شان محروم کرده اند، بهاییان در مصر هنوز از داشتن شناسنامه محرومند مسلمانان مصری می خواهند این اقلیت آرامش طلب را به کلی از میان مردم مصر نابود کنند و فعلاً کودکان بهایی را از تحصیل محروم کرده اند، درون ایران هم، ستمکاران مسلمان از هیچ ستمی بر بهایی ها بر زرتشتی ها بر کلیمی ها، برگردها، بر بلوچ ها و برکل ملت ایران فروگذار نمی کنند، این دین از نسل بربرهای وحشی است که بجای مانده است و به هیچ شکلی هم درست شدنی و متمدن نخواهد شد. آتش اسلام از پس می آید، و بسیاری از اروپاییان از پیش در حال گریز هستند ولی به کجا؟ نمیدانند که این قوم به همه جا دست اندازی کرده است. تعالیم هولناک کتاب این دین جهان را به خطرهای بزرگی نزدیک می کند. آیا گفتن این حقایق توهین و حمله به اسلام است؟ و چنین حقایق روشنی و ثابت شده ای را نباید به زبان آورد؟

قانون عادلانه، بهترین جایگزین برای هر دین است

بیداری در مکه!!

سالها قبل که هنوز جمهوری اسلامی بساطش را در ایران پهن نکرده بود، روزی سر دبیر وقت احضارم کرد و پرسید وضع نماز و روزهات چطور است؟

پاسخ دادم تعریفی ندارد و اگر به کسی نگوئید نه نماز بلدم نه روزه می‌گیرم.

گفت بهرحال باید با هیأت مطبوعاتی به جده بروی و از سفر حجاج به کعبه برای روزنامه گزارش بفرستی.

من که تا آن زمان هنوز پایم به خارج باز نشده بود، پذیرفتم که بهرحال برای نخستین بار از کشور دیگری از نزدیک دیدن می‌کردم.

در جده به تبع شرایط مُحرم شدیم (حوله به تن کردیم) و به ما گفته شد اگر بهر علتی ذره‌ای خون از انگشت تان بچکد باید طبق مناسک حج گوسفند قربانی کنید!

اگر برگری از درخت جدا کنید همینطور و خلاصه کلی یادآوری تا آنکه سرانجام باتفاق فضل‌الله س مدیر یکی از نشریات که جزو هیئت بود تصمیم گرفتیم گوسفند قربانی کنیم.

باز بنا بر اصول مناسک حج زائر می‌بایست از میان رمه گوسفندان آنکه را فربه تر است ذبح کند دو رأس را انتخاب کردیم و سلاخ هم در چشم بهم زدنی دست و پای دو حیوان را بست. بزمین شان کوبید و سرشان را گوش تا گوش برید و لاشه هایشان را روی تلی از لاشه های دیگر انداخت...!!

هر دوی ما از این عمل خود، مات و شگفت زده شده بودیم. دوست ما طاقت نیآورد و سر بسوی آسمان بلند کرد و گفت خداوندا مشیت تو اینست که این دو حیوان زبان بسته که تا لحظاتی پیش برای خود بعب می کردند این گونه قربانی شوند؟ این عمل ما نزد تو چه ثوابی برای ما می تواند داشته باشد؟؟!!

از همان جا بود که در هر دوی ما این تفکر آغاز شد که کمی در باره باور دینی خود فکر کنیم و سالیان بعد با آمدن خمینی و خرافات بی بدیلش که همچنان با ظهور امام زمان و معجزات مسجد جمکران و موهومات خنده آور دیگر، همراه بود، متوجه شدیم سالها چه دین واپسگرا و قهقرائی را می پرستیدیم و خود نمی دانستیم!!!!

امام جمعه مشهد؛ آخوند علم الهدی در کمال حماقت و نادانی گفته است «حجاب برای زن مانند پالان برای خر است!» زنه‌ای ایران باید بریزند و یکی از آن پالان ها را به پشت این پست تر از هر حیوانی بگذارند. و چند سیخونک هم به آن گردن کلفت اش فرو کنند تا دیگر از این غلط‌ها نکند.

منشور خطرناک در اعلامیه جهانی حقوق بشر

«هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود؛ مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت ها و اجرای آیین و مراسم دینی، به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.» (ماده ۱۸ قانون اعلامیه جهانی حقوق بشر)

من براین باور هستم، و سخت هم به آن پایبند هستم که آزادی بی چون و چرای دین، هر دینی، در انتها به تعصب و بنیادگرایی دینی می‌گراید. البته در «اعلامیه حقوق بشر» نیامده است که مرز دین و دینداری از کجا آغاز و به کجا ختم می‌شود؛ و برای همین هم است که این «حق» پیراهن عثمان اسلامگرایان شده است که می‌خواهند، بدون در نظر گرفتن محیط و یا کشوری که در آن زندگی می‌کنند، از حق مسلم خود برای اجرای آیین و قوانین دینی خود بهره‌مند شوند.

البته در اسلام بشر می‌باید از جنس مذکر باشد، یعنی نیمی از آنها که زنان مسلمان هستند یک بشر کامل به حساب نمی‌آیند که حقوقی هم داشته باشند. این را من نمی‌گویم، این گفته بنا بر فقه خود همین باورمندان است. بگذریم از این راستی که در بسیاری کشورهای اسلامی خود مردها هم از حقوق کامل بشری و یاحتی شهروندی بهره‌مند نیستند؛ به این امر که فقیهان محترم این امت بخت برگشته را در رده انسانهای عاقل حساب نمی‌کنند، بلکه گوسفندانی هستند که باید «سگها» را به جانشان انداخت تا دست از پا خطا نکنند.

البته «آزادی مذهب» بنا بر «نرم‌های» اجتماعات کنونی بشری، تا آنجایی که به جهان اسلام (و تا حدی جهان آزاد) مربوط می‌شود، ادعایی بسیار بی معنی و تا حدی نشلنی است. چه آزادی انتخابی می‌تواند وجود داشته باشد وقتی که مذهب یک بشر از زمانی که نطفه‌ای پیش نیست تعیین شده است؟! ویژه در خانواده‌های مسلمان از چند سالگی پدران و مادران مغز آنها را به مذهب آلوده می‌کنند و پس از گذران دوران بلوغ، جامعه بشری به آنها این حق (!؟) را میدهد که هر مذهبی را که دوست دارند بپذیرند! حقیقت این است که، بطور کلی، این بشرهای مسلمان از همان کودکی نه دسترسی به منابع مذهبی دیگری غیر از آنچه آموخته‌اند دارند، و نه اصولاً مذهب کنونی آنها چنین اجازه‌ای را میدهد؛ بنابراین اگر تصمیم به برگشت از دین را در سر پیروانند، و یا حتی شک در آنچه به آنها آموخته‌اند بکنند، هم در این دنیا از دگر انسانها (بخوانید مسلمین) عذاب می‌بینند و هم در «آن دنیا» از خدا (الله)؛ به این منظور که حتی حق راحت مُردن هم از آنها گرفته شده است! نتیجه اینکه تنها تکیه بر تمامی و یا برخی از مواد «منشور جهانی حقوق بشر» نمی‌تواند گره‌گشای نابسامانی های ایران اسلامزده باشد. مشکلات ما بسیار ژرفتر از آن است که بتوانیم با تکرار طوطی‌وار چند اعلامیه به حل آنها بپردازیم.

پیروزی های چشمگیر تیم های الله در المپیک چین !!

تیم های ورزشی کشورهای مسلمان با وجود پشتیبانی همه جانبه ی حضرات رسول اکرم پیامبر اعظم محمدابن عبدالله، ابا عبدالله الحسین مظلوم! ابوالفضل العباس قمر بنی هاشم، آن غریب دور افتاده ضامن آهو ثامن الائمه امام رضا، رضی الله عن عمرابن خطاب و تلاش های پیگیر سایر خاندان چهارده معصوم از زیر خاک و خود الله اکبر از بالای خاک تقریباً هیچ مدالی که باعث افتخار امت مسلمان گردد بدست نیاوردند و با سرشکستگی کامل و باخت به قهرمانان کشورهای نامسلمان کافر، دست از پا درازتر به کشورهای پیشرفته ی خود بازگشتند و مورد تشویق شهیدان خود قرار گرفتند و طعن و لعن زیر زبانی مردم خویش که با بدبختی فراوان هزینه رفتن آنها را به این بازیها بعهده گرفته بودند به جان خریدند و با عرق شرم که بر ریش هایشان جاری بود هرکدام به سوراخی فرو رفتند تا خشم مردم فرو بنشیند.

در آخرین شماره ماهنامه پژواک (۲۰۶) بازم مصاحبه جالبی از آقای سر مربی تیم فوتبال ایران، ثقة الاسلام علی دایی چاپ شده که گوشه ای از آن را می نویسیم تا بخوانید و بدانید که ورزش در کشورهای مسلمان بر روی چه پایه لقی استوار است. علی دایی در پاسخ به خبرنگار که گفته بود استراتژی شما در برابر تیم سوریه چه بود، پاسخ میدهد، «من شب خواب دیدم که یکی به من گفت برو قبر حضرت زینب و سپس قبر کنیز او را هم زیارت کن و با راحتی روی نیمکت بنشین و خیالت راحت باشد. و اگر من را در تلویزیون دیده باشید روی نیمکت مربیگری چقدر آرامش داشتم!» مصاحبه کننده در پایان مقاله خود نوشته است «بنابراین که ایشان آن خواب را دیده بود و زیارتی که از قبر کنیز زینب داشته و میدانسته که تیم ایران برنده خواهد شد، پس تاکتیک و آرایش تیم و غیره همه حرف مفت است، یعنی اگر یازده تا بزغال را هم به بازی می فرستاد، کنیز زینب آنها را به پیروزی میرسانید. این مدیریت و تفکر امام زمانی در عرصه ورزش است، حالا بسنجید همین اندیشه را در رئیس جمهور و هیئت دولت، این رئیس جمهور این دولت و این سازمان ورزشی چنین مربی را هم لازم دارد.» در عوض رهبران کشورهای مسلمان در چپاول اموال مردم و سرمایه های کشورشان در میان سایر رهبران جهان (بجای ورزشکاران خود) هر روز مدال طلا می گیرند، چه غم برامت اسلامی همیشه در صحنه که قهرمانان شان در المپیک از آخر اول شدند و تیم های کافر مسیحی مدالها را درو کردند و از آن بدتر، کشور بی خدای چین بر همه کشورهای متدین پیشی گرفت و پیروز شد.

پس از تنها پیروزی طلایی کاروان اسلام از ایران که بوسیله آقای ساعی در ورزش دعوا و کتک کاری و مشت و لگد زدن از ایران (تکواندو) به دست آمد. کشور غرق شادی شد که غریق نجاتها بدادشان رسیدند و به آنها تبریک گفتند.

● رفسنجانی - از اینکه کارهای زیر بنایی دولت سازندگی در عرصه

ورزش به ثمر رسید خوشحالیم و خوب است مردم هم خوشحال شوند.

● خاتمی - بنده به عنوان یک قطره کوچک از دریای ملت این پیروزی را تبریک گفته و به یاد داشته باشیم که کسب مدال طلا در رقابت های ورزشی حق هر انسانی است.

● احمدی نژاد - بنده هم به عنوان نوکر ملت این پیروزی را تبریک می گویم، بنده همین جا اعلام می کنم آمادگی داریم مشکلات ورزشی جهان را حل کنیم، با تقدم یک برای کشورهای مسلمان.

● کروبی - چه کسی و در چه رشته ای چه مدالی برده که من هم تبریک بگویم.

● شریعتمداری - متأسفانه اسرائیل در برابر هادی ساعی شرکت کننده نداشت و ایشان ناچار شد مدال بگیرد، ما هم تبریک می گویم.

● علم الهدی - آقا چه تبریکی، معصیت هم کرده - انداختن طلا به گردن مرد در اسلام حرام است.

● حسنی امام جمعه رضاییه - از اینکه یک جوانی پُر زور به لگد میزند اونجای حریف اشک شادی به من جمع میشه ولی ایکاش به این جوانها امکان میدادیم در میدانهای شهر و دهات معرکه می گرفتند و بجای طلا گرفتن از کفار پول خرد از مردم خودمان جمع می کردند.

بهرام استوار

«سیف الاسلام»

«دکتر طه حسین» وزیر فرهنگ ملی گرای پیشین مصر، در کنفرانس جهانی وزرای فرهنگ جهان که در سال ۱۹۵۰ در اروپا برپا شده بود، با ایراد یک سخنرانی جالب، مورد توجه و تحسین قرار گرفت. پس از پایان بیانات وی، یکی از اعضای کنفرانس به منظور آنکه مجیزی به او گفته باشد، طی بیاناتی عرب ها را ستایش و تجلیل کرد. دکتر طه حسین خشمگینانه فریاد کشید: «فراموش نکنید، من مصری هستم نه عرب، عربها زبان مادری ام را نابود کردند و همه چیز مرا به باد فنا دادند و زبان خود را با اعمال زور و فشار، بر نیاکانم تحمیل کردند و با سوزاندن کتابهای علمی و ادبی مصریان، جنایتی نابخشودنی مرتکب گردیدند و ننگ ابدی را بر خود خریدند.»

دکتر طه حسن، آن پژوهشگر و دانشمند نابینای روشندل به خوبی می دانست در جایی که عمرابن خطاب با درک محدود و داوری نادرست خود، علم و دانش و تمدن بشری را به نام اسلام نابود میسازد، از تازیان بیابانگرد پا برهنه که حتی تا این اواخر بر سر تصاحب یک حلقه چاه آب، به چنان نزاعی خونین دست می یازیدند که تا آخرین نفر قبیله به قتل میرسیدند، چه انتظاری می توان داشت؟ آری او به خوبی آگاه بود که تازیان چیزی به تمدن جهان نداده اند. چون حجاز کوه نداشته، از حجاری، ساختمان و خانه سازی بی بهره بودند. چون آب نداشتند، از کشاورزی و کشت و کار چیزی نمی دانستند و چون فاقد فلزات بودند، از هنر و صنعت و گسترش آن محروم بودند. ازینرو برای جبران بی بهرگی و دست یابی به مزایای حیات دیگر اقوام به گشتار و خونریزی به نهب و چپاول می پرداختند و به خالد ابن ولید ویرانگر تهی مغز، که علم و تمدن پُر بار دو امپراتوری آن روزگار را به آتش کشید، لقب «سیف الاسلام» دادند!

نامه های وارده

● در کشورهای اسلامی زن پنجاه ساله به تنهایی به مسافرت، حتی به نجف و کربلا نمی تواند برود، چه برسد به اینکه یک دختر ۹ تا ۱۳ ساله بتواند برای خودش شوهر انتخاب کند، که عاقبت این کار می کشد به وضع دخترانی که در کشورهای عربی و افغانستان روسپی هایی در ردیف دختران روسیه و کشورهای اروپای شرقی. دروغ بزرگی هم بین مسلمانان رواج دارد که تعداد زیادی از غیر مسلمانان به اسلام روی آورده اند، در صورتی که این ادعا اصلاً درست نیست، آنقدر که مسلمانان از اسلام فرار می کنند کسی به اسلام روی نمی آورد و همه ی این ادعا ها تبلیغات می باشد، اعدام ها را از سر مردم بردارید خواهید دید که جوانان چگونه از اسلام فراری خواهند شد. حنیف

● من راجع به بیداری شنیده بودم ولی ندیده بودم، هر بار که به فروشگاه ایرانی محل خود میرفتم از آنها راجع به بیداری می پرسیدم، در این راه آنقدر سماجت کردم تا اخیراً بیداری آورده و در دسترس مردم قرار داده است، این کار ساده ترین و آسان ترین کاری است که همه ی ایرانیان باید انجام دهند و هر بار که به فروشگاه می مراجعه می کنند درخواست بیداری کنند، این کار یک وظیفه می باشد. بی درد سر و بی هزینه. آرشام

● من قبلاً یک مسلمان بودم و اهل بنگلادش، کشوری مسلمان، که بیشتر عمرم را در آن سپری کردم.

من مخالف اسلام هستم، چون برای اجتماع مضر می باشد و تنفر را در میان انسان تشدید و صلح جهانی را تهدید می کند. اسلام باید از روی زمین برکنده شود تا پیشرفت بشر در همه جنبه های زندگی تضمین گردد.

اسلام در موارد زیر با اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد بشدت مخالفت می کند.

۱- نقض اعلامیه شماره ۱ و ۲: اسلام به زن کمتر از مرد حقوق قانونی میدهد.

۲- نقض اعلامیه شماره ۵ و ۱۸ اسلام به کسانی که به آن ایمان ندارند مجازات بیرحمانه، غیر بشری و خفت بار روا میدارد.

۳- نقض اعلامیه شماره ۱۸ - اسلام به انسانها حق انتخاب مذهب را نمیدهد.

۴- نقض اعلامیه شماره ۱۹ - در پاکستان و افغانستان آزادی بیان ممنوع بوده و از طریق قانونی قابل مجازات می باشد.

۵- نقض اعلامیه شماره (۱) ۲۳ و (۱) ۲۶ - در افغانستان استخدام و تحصیلات خانم ها محدود و در بسیاری از موارد ممنوع است.

ابوالقاسم اهل بنگلادش

● بیداری برای من شده «هوای تازه»، من خود یک روز مسلمان دہشی بودم و حتی در آبادان در روضه خوانی ها شرکت می کردم، به تشنه لبان

آب میدادم، چون پدرم مسلمان بود و نمازش هم ترک نمی شد، یکی از خواهران ما در حالی که آبستن بود روزه اش را قطع نمی کرد، و در هنگام وضع حمل به مشکل برخورد و بچه اش بسیار ضعیف و نحیف بدنیا آمد. به روی کار آمدن حکومت اسلامی چشمان مرا به این دین باز کرد و مرا از آن متنفر نمود و اکنون با الله ساختگی هم کلی مسئله دارم. با احترام علی - گل

● شما در بیداری با بنیاد دروغ ادیان، که ارتباط داشتن با خدا بوده است مبارزه می کنید در صورتی که سایر مبارزان و روشنگران تنها با یک منبع دروغ که اسلام است مبارزه می کنند و این است برتری کار شما بر کار سایرین و شاید شما تنها نشریه ایرانی در طول تاریخ باشید که استخوان لای زخم نمی گذارید و رشوه به هیچ سخن بسی پایه و اساسی نمی دهید، این است که نویسندگان بیداری باید برخورد ببالند که در جایگاه نخست و راستین یک مبارزه بزرگ با دروغ و خرافات قرار دارند. استاد علوم اجتماعی دانشگاه فولرتون - ع - قائمی

کتاب های رسیده به دفتر بیداری

● کتاب «آذربایجان واقعی کجاست» از آقای احمد خلیل الله مقدم بدست ما رسید در این کتاب ۱۲۰ صفحه ای مطلبی چون «هجوم تازیان و نهضت های ملی شمال غربی ایران - چگونه آذربایجانی ها مورد هجوم ترکان قرار گرفتند - ستم تازیان و ترکان بر آذربایجانی ها - اشاعه زبان ترکی در آذربایجان و بسیار مطالب جالب تاریخی، گنجانده شده است. نشانی سفارش کتاب kh.mogh@yahoo.de می باشد.

● سه جلد کتاب فلسفی «زال زر یا زرتشت» از فیلسوف بزرگ ایران آقای منوچهر جمالی بدست ما رسید که خواندن آن را توصیه می کنیم. «جوانمردی و رادی ارزش های فراسوی کفر و دین هستند» در فرهنگ ایران، کعبه در هر خانه ای است - «تنش فکری مولوی با مسئله سجده» - «چرا بینش بنیادی جهان هستی در فرهنگ ایران در جام جم است، نه در قرآن. نه در تورات، نه در انجیل، نه در گاتا، نه در کاپیتال و نه در هیچ کتاب دیگر...» و بسیاری اندیشه های نورا در این کتابهای «بنیاد فلسفه نوین ایران» می خوانید. کتاب ها را از آدرس زیر بخواهید اگر نتوانستید با ما تماس بگیرید. abbasmaroufi@gmx.de
tel 01149-30450-86674

دکتر ایواندخت

الف - لام - میم

نکته کوچکی در باره الف - لام - میم (الم) واژه ای که در آغاز سوره هایی از قرآن (بقره) آمده است به عرض خوانندگان بیداری میرسانم.

یهودیان عقیده دارند نویسنده کتاب قرآن یک یهودی بوده است و واژه یا حروف «الم» اول حرف سه کلمه ان - لو - ماش یهودی است که معنای جالبی دارد. ترجمه ان - لو - ماش عبارت است از «بدانید که حقیقت ندارد»

به مهر فراوان نامبردگان زیر این شماره هم به زیر چاپ رفت - پرداختی ها تا تاریخ دهم اپریل است.

س - الف

برگزاری آئین ترحیم هنرمندان مسیحی در مرکز اسلامی!!

متولیان اسلام ناب محمدی که سالهاست در اروپا و امریکا مخصوصاً لس آنجلس جا خوش کرده اند، همه جا گوش به زنگ اند تا اگر هنرمندی درگذشت، برگزاری آئین ترحیم و تذکرش را ولو اینکه با آنها تفاوت دینی داشته باشند خود برگزار کنند!

وقتی ویگن خواننده مسیحی درگذشت بلافاصله آئین درگذشتش در مرکز اسلامی لس آنجلس برپا شد و دخترش آیلین در اعتراض به این امر روی خط رادیو رفت و ضمن ابراز مخالفت گفت ما بهرحال مجبوریم برویم چون پدرمان است.

م هستی هم با اینکه با انجام غسل تعمید در کلیسائی به مسیحیت گروید آئین ترحیم اش که می بایست در کلیسا برگزار شود باز در همان مرکز اسلامی (بنیاد ایمان) برگزار شد!

این مرکز اسلامی و نظائر آن که در همه جا با به راه انداختن شعبه بساط خود را گسترش داده اند در همه این سالها یک کلمه خشک و خالی نسبت به این همه اعدام ها در ایران از خود بروز ندادند و سکوت کردند. آیا سکوت علامت رضا برای اعدام ها و جنایت ها نیست؟ در داخل کشور با اعمال انواع فشار ها کنسرت های خوانندگان مسلمان را بهم میزنند و در خارج برای هنرمندان غیر مسلمان مجلس ترحیم و تذکر راه می اندازند!!

آیات عظام!

در یکی از روزنامه های لس آنجلس، آقای سر دبیر نوشته اند، «۳۰ سال سکوت آیات عظام کافی نیست؟ چرا آقایان، آیات عظام، مراجع تقلید اقدامی نمی کنند؟ و جلوی این همه حرکات زشتی که به نام اسلام و قرآن و پیامبر و مکتب تشیع انجام می گیرد نمی ایستند؟»

با احترام به جناب سردبیر، باید به آگاهی شان برسائیم، این آیات عظام، قبله ای دارند که در ایران نیست، قلبی دارند که در ایران نیست، عشقی دارند که در ایران نیست. روزی که دور نیست، ملت ایران بر فرق سر این آیات عظام خواهد کوفت که شبانه همه شان با لباس مبدل فرار کنند، «آیات عظام» چه جانوری است که از سر نا آگاهی و ناامیدی به چند تا پیرمرد خرفت غیر ایرانی لقب می دهید و امید بسته اید، این سوی دنیا هر روز بدنبال هخا سازی هستید و آن سوی دنیا به دنبال آیات عظام! سی سال است آیات عظام با سی هزار اشاره به شما گفته اند که به دنبال چه هستند و از استقرار حکومت اسلامی با دشمنان گردو می شکنند.

دست از سر این هیزم های جهنم بردارید و بزرگشان نکنید. روزی شما در قطار درست حرکت سوار هستید که این آیات عظام و پدر جد این آیات عظام را هر روز سکه ی یک پول کنید و از جنایت های بی شمارشان که با تحمیق مردم بوجود آورده اند و یا چون در برابر ستم همپالگی هایشان ساکت و بی تفاوت نشسته اند پرده بردارید و رسوایشان کنید، هر آخوند ساده تا آیات عظامش! تک تکشان سر بار جامعه انسانی و دشمن شادی و رفاه مردم هستند، آنها را باید مردان خبیث روزگار خواند نه آیات عظام. مطمئن باشید در این طایفه ی بدذات، داستان «نگیرد جز سگ مازندرانی» کار نمی کند.

دکتر - د	نیوجرسی	۲۰۰	دلار
آقای - ز	گیلروی	۵۰	دلار
آقای - سام	اوکلاهما	۵۰	دلار
دکتر - الف	اوکلاهما	۱۰۰	دلار
خانم - ت	سان دیاگو	۱۵	دلار
آقای جمشید	سان خوزه	۶۰	دلار
آقای اسماعیل	سانتامونیکا	۲۰	دلار
آقای فرد	وست مینستر	۵۰	دلار
دفتر ترجمه	-	۵۰	دلار
جاوید گرامی	پالم اسپرینگ	۲۰۰	دلار
خانم - ت	کانادا	۱۰۰	دلار
دکتر - ف	وسپله دکتر مهرآسا	۱۰۰	دلار
آقای کریمی	کالیفرنیا	۳۰	دلار
دکتر اسماعیل	کانادا	۵۰	دلار
آقای - م - ز	-	۲۰۰	دلار
آقای - ع - افغانی	-	۲۰	دلار
آقای - ف	کانادا	۱۰۰	دلار
آقای - جلال	پالم اسپرینگ	۱۰۰	دلار
خانم - فروغ	-	۱۵	دلار
آقای - ه - ر	تورنس	۲۰۰	دلار
آقای - م - ث	-	۲۵	دلار
خانم - س	کستاسا	۲۵۰	دلار
تیمسار - ب	-	۵۰	دلار
تیمسار - الف	-	۵۰	دلار
آقای هانز	آگوراهیلز	۸۰	دلار
آقای ش - ه	فارست هیل	۲۵	دلار
آقای ح - خ	-	۵۰	دلار
ناشناس	نیوپورت بیچ	۲۰۰	دلار
آقای بابک - ف	نیویورک	۲۵۰	دلار
دکتر پرویز	لاگونانینگل	۷۰	دلار
آقای ن - ع	نیویورک	۵۲	دلار
آقای - ط	نیویورک	۲۵	دلار
آقای س -	دان ویل	۵۰۰	دلار
دوستان آقای س	دان ویل	۲۴۰	دلار
آقای بهمن	کنکورد	۱۰۰	دلار
آقای سولاک	-	۵۰	دلار

در وست وود لس آنجلس، اگر بیداری گیرتان نیامد، سری به کلبه کتاب ۱۵۱۸ وست وود بزنید.
۶۱۵۱ - ۴۴۶ (۳۱۰)

Thinking points for Iranian youth

"The theory and practice of jihad was not concocted in the Pentagon.... It was taken from the Koran, the Hadith and Islamic tradition. Western liberals, especially humanists, find it hard to believe this.... it is extraordinary the amount of people who have written about the 11th of September without once mentioning Islam. We must take seriously what the Islamists say to understand their motivation, [that] it is the divinely ordained duty of all Muslims to fight in the literal sense until man-made law has been replaced by God's law, the Sharia, and Islamic law has conquered the entire world....For every text the liberal Muslims produce, the mullahs will use dozens of counter-examples [that are] exegetically, philosophically, historically far more legitimate."

Ibn Warragh

تلفن و فکس بیداری (858) 320-0013

شماره حساب بانکی در بانک واشنگتن میوچوال شعبه
شهر U.T.C سن دیگو 309194-5003 می باشد
www.bidari.org

بیداری

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدانی

«ماه رمضان»

ماه مزاحم رمضان، ماه مغزشویی ساده دلان، ماه عروسی ملایان فرا رسید و زندگی بسیاری از مردم ایران را مختل کرد. کار عادی مردم در بانکها، بیمارستانها، دادگاهها، شهرداریها، مدارس و سایر سازمانهای دولتی بامشکلات زیادی روبرو گردید.
ماه نامبارک رمضان باعث زخم معده، کمبود آب بدن، آسیب زدن به کلیهها، کج خلقی مردم و گرانی بیشتر شده و هیچ سود و خاصیتی جز زیان به ارمغان نداشت.
فرا رسیدن این ماه زندگی سوز را به مردم زیر ستم اسلام تسلیت می گویم.

باپوزش از این که در شماره ی پیش تاریخ امرداد، مرداد و در برگ نخست آفریده، آفریننده نوشته شده است.

شماره ۱ تا ۲۰ بیداری را کتاب کرده ایم، این «خردنامه» را هر ایرانی باید در کتابخانه خود و زیر پای شاهنامه فردوسی داشته باشد.

Presorted Standard
US Postage
Paid
San Diego, CA
Permit # 2686

BIDARI
بیداری
P.O. BOX 22777
San Diego CA 92192
U.S.A